



تاریخچه مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۳۰

فصلنامه علمی پژوهشی آفاق فقاها

دوره سوم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۴، ص ۴۴ تا ۵۶



بررسی تطبیقی مسئله‌ی «حجیت قطع» در اندیشه‌ی شیخ انصاری، آخوند خراسانی و امام خمینی (ره)

محمد مهدی آقاجانی فخر داوودی  طلبه‌ی سطوح عالی حوزه‌ی علمیه، قم

mahdiaghajani20111400@gmail.com

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

این مقاله به بررسی تطبیقی مسئله‌ی «حجیت قطع» در اندیشه‌ی سه تن از بزرگ‌ترین علمای اصول فقه شیعه، یعنی شیخ مرتضی انصاری، آخوند محمدکاظم خراسانی و امام خمینی (ره) پرداخته است. در این پژوهش بیان شده است که هر سه عالم بر لزوم عقلی تبعیت از قطع و عدم نیاز آن به جعل شارع اتفاق نظر دارند؛ اما در تبیین مبانی این حکم، رویکردهای متفاوتی اتخاذ کرده‌اند. در این مقاله به رویکرد هر کدام از این بزرگان و وجه تفاوت بین آن‌ها اشاره شده است. شیخ انصاری و آخوند خراسانی، حجیت قطع را امری ذاتی و از لوازم انفکاک‌ناپذیر آن دانسته‌اند. شیخ بر طریقیّت تامه و عدم واسطه‌گری قطع تأکید دارد و آخوند با بیانی فلسفی، آن را از لوازم ذاتی ماهیت و غیرقابل جعل تألیفی برشمرده است. در مقابل، در بیان نظر امام خمینی اشاره شده است که ایشان با نقدی بنیادین بر این دیدگاه، ذاتی بودن حجیت و کاشفیت را رد کرده و با تفکیک دقیق میان «ماهیت» و «وجود»، حجیت را نه امری ذاتی، بلکه یک «حکم عقل عملی» دانسته‌اند که به دلیل عقلی بودن و نه ذاتی بودن، از جعل شارع بی‌نیاز است. این پژوهش ضمن تبیین این دیدگاه‌ها، به مقایسه‌ی نقاط اشتراک و افتراق آن‌ها پرداخته و سیر تطور و تعمیق این بحث مهم اصولی را به تصویر می‌کشد.

کلیدواژه: حجیت، قطع، امام خمینی، ذاتی، کاشفیت، منجزیت، حکم عقلی، جعل.

مقدمه

بحث «قطع» و «حجیت» آن، سنگ بنای مباحث حجت در علم اصول فقه و نقطه‌ی عزیمت برای درک نظام معرفت‌شناختی فقیه در مواجهه با متون دینی است. قطع، به مثابه‌ی یقین و انکشاف تام واقع نزد مکلف، از چنان اعتبار و جایگاه رفیعی برخوردار است که لزوم عقلی تبعیت از آن، امری قریب به بدهت شمرده می‌شود. با این حال، تبیین دقیق ماهیت این «حجیت»، تحلیل منشأ آن و کیفیت استدلال بر لزوم متابعت از آن، یکی از ژرف‌ترین و دقیق‌ترین مباحث اصولی را رقم زده است. پرسش‌های بنیادینی نظیر اینکه آیا حجیت، وصفی ذاتی و جدایی‌ناپذیر از قطع است یا امری عارضی و اعتباری؟ آیا این حجیت به خود «قطع» به‌عنوان یک صفت نفسانی تعلق می‌گیرد یا به «مقطوع»؟ و دلیل امتناع جعل یا ردع شارع از آن چیست؟ محور اصلی این پژوهش را تشکیل می‌دهد.

اهمیت این تحقیق از چند جهت قابل تبیین است: نخست، درک دقیق دیدگاه سه ستون اصلی اصول فقه متأخر، یعنی شیخ انصاری، آخوند خراسانی و امام خمینی، برای هر پژوهشگر و دانش‌پژوه این علم امری ضروری است. دوم، بررسی تطبیقی این سه دیدگاه، صرفاً یک بازخوانی تاریخی نیست؛ بلکه نمایشگر سیر تحول، تعمیق و پویایی اندیشه‌ی اصولی از یک رویکرد تأسیسی (شیخ انصاری) به یک رویکرد فلسفی-تکمیلی (آخوند خراسانی) و در نهایت به یک رویکرد انتقادی-بنیان‌شناسانه (امام خمینی) است. این سیر تکاملی به خوبی نشان می‌دهد که چگونه یک اصل مسلم می‌تواند با ابزارهای دقیق‌تر منطقی و فلسفی، مورد بازبینی و تحلیل عمیق‌تر قرار گیرد. سوم، تبیین دیدگاه امام خمینی (ره) و تمایز آن با انظار مشهور، به درک مبانی خاص ایشان در سایر ابواب اصول فقه نیز یاری می‌رساند.

موضوع حجیت قطع به خودی خود، موضوعی پرکار در کتب و مقالات اصولی است. برای مثال، بیابانی اسکویی (۱۴۰۲) در مجله‌ی مطالعات قرآن و حدیث سفینه در مقاله‌ی «حجیت قطع و یقین از نظر مرحوم میرزا مهدی اصفهانی» و آقایانی (۱۴۰۱) در مجله‌ی پژوهش‌های حقوقی میان‌رشته‌ای در مقاله‌ی «بررسی تطبیقی حجیت قطع از دیدگاه آخوند خراسانی، شهید صدر و امام خمینی (ره)» به بررسی حجیت قطع پرداخته‌اند. با این حال، وجه تمایز و نوآوری پژوهش حاضر در رویکرد تطبیقی سه‌جانبه و متمرکز بر سیر تطور اندیشه است. مقالات موجود یا به مقایسه‌ی نظرات علمای دیگری پرداخته‌اند یا صرفاً دیدگاه یک عالم را به صورت منفرد تحلیل کرده‌اند؛ اما این مقاله می‌کوشد با قرار دادن این سه دیدگاه در کنار یکدیگر، خط سیر تحول بحث از «تأسیس» تا «تکمیل» و سپس «نقد» را به روشنی ترسیم کند و نشان دهد که چگونه هریک از این بزرگان، با تکیه بر دستاوردهای پیشینیان و با به‌کارگیری ابزارهای تحلیلی نوین در عصر خود، لایه‌ای عمیق‌تر به این بحث افزوده‌اند. بنابراین، این پژوهش خلأ موجود در زمینه‌ی یک تحلیل مقایسه‌ای جامع و متمرکز بر سه نقطه‌ی عطف اصلی این بحث را پر می‌کند.

روش تحقیق در این مقاله، توصیفی-تحلیلی با رویکرد تطبیقی است. داده‌ها و اطلاعات از طریق روش کتابخانه‌ای و با مراجعه‌ی مستقیم به منابع اصلی و متون دست‌اول، یعنی فرائد الاصول شیخ انصاری، کفایة الاصول آخوند خراسانی و تقریرات معتبر از دروس اصول امام خمینی (ره)

(مانند تهذیب الاصول و معتمد الاصول) گردآوری شده است. در مرحله‌ی بعد، این دیدگاه‌ها با روشی تحلیلی مورد واکاوی قرار گرفته و در نهایت به صورت تطبیقی با یکدیگر مقایسه شده‌اند.

ساختار مقاله بر اساس یک منطق تاریخی و سیر تطور فکری تنظیم شده است تا خواننده بتواند به بهترین شکل، روند تعمیق بحث را دنبال کند:

فصل اول: به دیدگاه شیخ مرتضی انصاری (ره) به عنوان مؤسس اصول نوین و کسی که چارچوب اصلی بحث را در دوران معاصر بنا نهاد، اختصاص یافته است.

فصل دوم: نظریات آخوند خراسانی (ره) را بررسی می‌کند که با رویکردی عمیقاً فلسفی، مبانی شیخ را تکمیل کرد و تقریری دقیق‌تر از ذاتی بودن حجیت ارائه داد.

فصل سوم: به دیدگاه انتقادی و موشکافانه‌ی امام خمینی (ره) می‌پردازد. در این فصل، ابتدا مقدمه‌ای از منطق برای تبیین ابزارهای تحلیلی ایشان ارائه شده و سپس نشان داده می‌شود که چگونه ایشان با به چالش کشیدن همان مبانی پذیرفته‌شده، تحلیلی نوین و متمایز از حجیت قطع عرضه می‌دارند.

فصل چهارم: به جمع‌بندی و مقایسه‌ی نهایی اختصاص دارد. در این فصل، نقاط اشتراک و افتراق سه دیدگاه در کنار هم قرار گرفته و نتایج حاصل از این تطبیق، به صورت منسجم ارائه می‌گردد تا در نهایت به یک نتیجه‌گیری جامع ختم شود. این ساختار به خواننده کمک می‌کند تا نه تنها با هر دیدگاه به صورت مجزا، بلکه با نسبت و ارتباط آن‌ها با یکدیگر نیز آشنا گردد.

۱. حجیت قطع از منظر شیخ مرتضی انصاری

شیخ اعظم، مرتضی انصاری (ره)، به عنوان یکی از استوانه‌های علم اصول فقه، بحث حجیت قطع را در ابتدای مباحث حجیت از کتاب گرانسنگ فرائد الاصول مطرح می‌سازد. از منظر ایشان، حجیت و لزوم تبعیت از قطع، امری ذاتی، عقلی و غیرقابل جعل و وضع توسط شارع است. شیخ در آغاز بحث، بدون هیچ مقدمه‌ای، بر وجوب متابعت از قطع تأکید کرده و آن را امری بدیهی و بی‌نیاز از استدلال می‌داند. این وجوب تا زمانی که قطع برای شخص قاطع پابرجاست، ادامه دارد. دلیل این امر آن است که قطع، خود عین طریقت و انکشاف واقع است و این طریقت و کاشفیت، ویژگی ذاتی آن بوده و امری نیست که شارع مقدس بتواند آن را اثبات یا نفی نماید.

«فنقول: لا إشکال فی وجوب متابعة القطع و العمل علیه ما دام موجوداً؛ لأنّه بنفسه طریق إلى الواقع، و لیس طریقیته قابله لجعل الشارع إثباتاً أو نفیاً.» (انصاری، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۱)

بر اساس همین مبانی کلیدی، شیخ انصاری میان اطلاق واژه‌ی «حجیت» بر قطع و اطلاق آن بر سایر امارات ظنی (مانند خبر واحد یا ظن معتبر) تمایزی اساسی قائل می‌شود. ایشان معتقد است که اطلاق حجیت بر قطع، یک اطلاق مجازی و از سر مسامحه است و با معنای فنی و منطقی «حجیت» تفاوت دارد.

شیخ برای روشن ساختن این تفاوت، به تعریف منطقی حجت می‌پردازد. حجت در علم منطقی، «حد وسط» در یک قیاس است که به واسطه‌ی آن، حکم اکبر برای اصغر اثبات می‌گردد و به وسیله‌ی آن، قطع به نتیجه حاصل می‌شود؛ مانند «تغییر» که حد وسط برای اثبات «حدوث» عالم قرار می‌گیرد.

«لأنّ الحجّة عبارة عن: الوسط الذي به يحتجّ على ثبوت الأكبر للأصغر، و يصير واسطة للقطع بثبوت له، كالتغییر لإثبات حدوث العالم.» (انصاری، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۲)

وقتی گفته می‌شود اماره‌ای مانند «ظن» حجت است، بدین معناست که آن اماره می‌تواند به‌عنوان حد وسط در استدلال برای اثبات یک حکم شرعی قرار گیرد. مثلاً گفته می‌شود: «این مایع، مظنون‌الخمیره است (صغری) و هر مظنون‌الخمیره‌ای، اجتناب از آن واجب است (کبری).» در اینجا «مظنون‌الخمیره بودن» واسطه‌ای برای اثبات حکم حرمت است که حجیت آن توسط شارع جعل شده است. اما این فرآیند در مورد قطع صدق نمی‌کند؛ زیرا قطع، خود انکشاف واقع است و نیازی به واسطه ندارد. وقتی شخص به خمیریت مایعی قطع پیدا می‌کند، استدلال او این‌گونه نیست که بگوید: «این مایع، معلوم‌الخمیره است و هر معلوم‌الخمیره‌ای حرام است»؛ بلکه استدلال او چنین است: «این مایع، خمر است (صغری) و هر خمیری حرام است (کبری).»

«و هذا بخلاف القطع؛ لأنّه إذا قطع بوجوب شیء، فيقال: هذا واجب، و كلّ واجب يحرم ضدّه أو يجب مقدّمته. و كذلك العلم بالموضوعات، فإذا قطع بخميرية شیء، فيقال: هذا خمر، و كلّ خمر يجب الاجتناب عنه.» (انصاری، ۱۴۱۹ق، ج ۱، صص ۱۲-۱۳)

نکته‌ی دقیق و ظریف در کلام شیخ انصاری این است که احکام شرعی بر عناوین واقعی موضوعات مترتب می‌شوند، نه بر «علم به آن موضوعات». حکم حرمت، برای «خمر» وضع شده است، نه برای «چیزی که علم به خمر بودنش داریم». قطع، صرفاً آن واقعیت را بدون هیچ واسطه‌ای آشکار می‌سازد و خود در سلسله‌علل حکم قرار نمی‌گیرد.

در نتیجه، شیخ اعظم به‌صراحت بیان می‌کند که اساساً اطلاق عنوان «حجت» بر خود قطع، امری غیر معقول است؛ زیرا حجت چیزی است که «موجب» و «سبب» قطع می‌شود، نه خود قطع. قطع، نتیجه و غایت است، نه وسیله و آلت برای رسیدن به آن.

«و الحاصل: أنّ كون القطع حجّة غير معقول؛ لأنّ الحجّة ما يوجب القطع بالمطلوب، فلا يطلق على نفس القطع.» (انصاری، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۳)

بنابراین، از منظر شیخ انصاری حجیت قطع، ذاتی و به‌معنای کاشفیت تامه از واقع است و این ویژگی انفکاک‌ناپذیر، لزوم متابعت از آن را به حکم عقل، ضروری می‌سازد و نمی‌توان آن را در زمره‌ی «حجج» به‌معنای اصطلاحی و جعلی (مانند امارات) قرار داد.

۲. حجیت قطع از منظر آخوند خراسانی (ره)

صاحب کفایة الاصول، مرحوم آخوند خراسانی، همچون شیخ انصاری، بحث قطع



را سرآغاز مباحث حجیت قرار می‌دهد و حجیت آن را به‌عنوان یک اصل مسلم عقلی معرفی می‌کند. آخوند خراسانی برای بیان احکام و اقسام قطع، تمهید مقدماتی را ضروری می‌داند و در اولین امر از این مقدمات، به بحث حجیت قطع می‌پردازد. ایشان با قاطعیت تمام، وجوب عمل بر طبق قطع را امری عقلی و بی‌نیاز از هرگونه شبهه و تردید می‌داند.

«و کیف کان فی بیان أحكام القطع و أقسامه یستدعی رسم أمور. الأمر الأول لا شبهة فی وجوب العمل علی وفق القطع عقلاً و لزوم الحركة علی طبقه جزمًا.» (خراسانی، ۱۴۰۹ق، ص ۲۵۱)

از منظر آخوند، قطع دو اثر قهری و انفکاک‌ناپذیر دارد: منجزیت و معذریت. اگر قطع شخص به تکلیفی تعلق گیرد و آن قطع مطابق با واقع باشد، آن تکلیف بر او «منجز» می‌شود؛ بدین معنا که مخالفت با آن قطع، موجب استحقاق مذمت و عقاب خواهد بود. اما اگر قطع او به تکلیفی تعلق گرفت و در واقع، خطاکار بود (و این خطا ناشی از تقصیر او نباشد)، این قطع برای او «عذرآور» است. این تأثیر دوگانه‌ی قطع، امری ذاتی و لازمه‌ی آن است و وجدان هر انسانی به‌روشنی بر این امر شهادت می‌دهد و نیازمند استدلال و برهان اضافی نیست.

«و کونه موجباً لتنجز التکلیفی الفعلی فیما أصاب باستحقاق الذم و العقاب علی مخالفته و عذراً فیما أخطأ قصوراً و تأثیره فی ذلك لازم و صریح الوجدان به شاهد و حاکم فلا حاجة إلی مزید بیان و إقامة برهان.» (خراسانی، ۱۴۰۹ق، ص ۲۵۱)

نکته‌ی اساسی که آخوند خراسانی بر آن تأکید می‌ورزد، این است که این آثار (منجزیت و معذریت) و به‌تبع آن حجیت قطع، به‌واسطه‌ی جعل جاعل و قانون‌گذاری شارع به‌وجود نیامده است. رابطه‌ی میان یک شیء و لوازم ذاتی آن، یک رابطه‌ی حقیقی و تکوینی است، نه یک رابطه‌ی قراردادی و تألیفی که بتوان آن را وضع یا رفع کرد. همان‌طور که نمی‌توان با جعل و قانون، رابطه‌ی میان عدد چهار و زوجیت آن را از بین برد، حجیت و لزوم تبعیت از قطع نیز که از لوازم ذاتی آن است، قابل جعل تشریحی نیست.

«و لا یخفی أن ذلك لا یکون بجعل جاعل لعدم جعل تألیفی حقیقة بین الشیء و لوازمه بل عرضاً بتبع جعله بسیطاً.» (خراسانی، ۱۴۰۹ق، ص ۲۵۱-۲۵۲)

آخوند خراسانی از این مبنای مستحکم، نتیجه‌ی مهم دیگری را استخراج می‌کند و آن، امتناع منع از عمل به قطع است. همان‌طور که جعل حجیت برای قطع محال است، منع از تأثیر آن و سلب حجیت از آن نیز امری محال و غیرممکن است؛ زیرا اگر شارع از عمل به قطع منع کند، تناقضی آشکار رخ می‌دهد. از یک سو، مکلف به حکمی قطع دارد و عقل او را ملزم به تبعیت می‌کند؛ از سوی دیگر، شارع او را از این تبعیت منع می‌کند. این امر مستلزم آن است که مکلف در آن واحد، به لزوم انجام یک فعل و حرمت انجام همان فعل اعتقاد پیدا کند که این، مصداق بارز اجتماع نقیضین (یا ضدین) در اعتقاد است که امری محال است.

«و بذلک انقذح امتناع المنع عن تأثیره أيضاً مع أنه يلزم منه اجتماع الضدين اعتقاداً مطلقاً و حقيقة فی صورة الإصابة کما لا یخفی.» (خراسانی، ۱۴۰۹ق، ص ۲۵۲)

در نگاه تطبیقی، می‌توان گفت که آخوند خراسانی نیز همانند شیخ انصاری، حجیت قطع را ذاتی، عقلی و غیرقابل جعل می‌داند و آن را به‌عنوان یک اصل بدیهی مبتنی بر حکم عقل و شهادت وجدان معرفی می‌کند. هر دو بزرگوار بر این باورند که نقش قطع، کاشفیت از واقع است و این کاشفیت، لزوم متابعت را به‌دنبال دارد. باین حال، آخوند خراسانی با تمرکز بر مفهوم «لوازم ذاتی شیء» و استدلال بر امتناع «جعل تألیفی» میان شیء و لوازمش، و همچنین تبیین صریح‌تر مسئله‌ی «اجتماع نقیضین» در صورت منع از عمل به قطع، بر ابعاد عقلی و فلسفی این بحث تأکید بیشتری می‌ورزد.

۳. حجیت قطع از منظر امام خمینی (ره)

حضرت امام خمینی (ره) با نگاهی دقیق و موشکافانه، تحلیل متفاوتی از حجیت قطع ارائه می‌دهند که در برخی مبانی، با دیدگاه‌های مشهور اصولیون پیشین، به‌ویژه شیخ انصاری و آخوند خراسانی، تمایز دارد. ایشان قبل از پذیرش یا ردّ ذاتی بودن حجیت قطع، به نقد و بررسی معنای «ذاتی» و تحلیل رابطه‌ی قطع با صفاتی همچون کاشفیت و حجیت می‌پردازند. برای درک عمیق دیدگاه ایشان، ضروری است ابتدا مروری بر معانی مختلف «ذاتی» در علم منطق داشته باشیم.

مقدمه: تبیین معانی «ذاتی» در منطق

مرحوم محمدرضا مظفر در کتاب المنطق، به تبعیت از منطقیون، معانی متعددی برای واژه‌ی «ذاتی» برمی‌شمرد که درک این معانی، کلید فهم بسیاری از مباحث فلسفی و اصولی است. ایشان اشاره می‌کند که در مبحث برهان، شرط است که محمولات قضایا، «ذاتی» موضوعات خود باشند. مهم‌ترین معانی ذاتی عبارت‌اند از:

۱. ذاتی در باب کلیات (ایساغوجی): این ذاتی در مقابل «عرضی» قرار دارد و به کلیاتی گفته می‌شود که یا عین ذات یک ماهیت هستند (مانند حیوان برای انسان) یا جزء آن (مانند ناطق برای انسان).

۲. ذاتی در باب حمل (عوارض ذاتیه): این ذاتی در مقابل «غریب» قرار می‌گیرد و به محمولی گفته می‌شود که برای حمل شدن بر موضوعش، نیازمند واسطه‌ی خارج از ذات آن موضوع نیست. به عبارت دقیق‌تر، «محمول ذاتی برای یک موضوع، آن است که خود موضوع یا یکی از مقومات آن (مانند جنس) در تعریف آن محمول اخذ شده باشد». مثلاً «افطس» (بینی پهن) محمولی ذاتی برای «انف» (بینی) است، زیرا در تعریف افطس، مفهوم انف اخذ شده است.

۳. ذاتی به معنای منتزاع از مقام ذات: این نوع ذاتی در مقابل «محمول بالضمیمه» قرار دارد. ذاتی در این معنا، محمولی است که برای انتزاع آن از موضوع، به ضمیمه کردن هیچ امر خارجی نیاز نیست. مثلاً «موجود بودن» برای خود «وجود»، یک حمل ذاتی است؛ زیرا وجود برای

موجود بودن، نیازمند ضمیمه شدن وجودی دیگر نیست. اما «موجود بودن» برای «ماهیت»، یک محمول بالضمیمه است، زیرا ماهیت به خودی خود موجود نیست و با عروض وجود، موجود می‌شود.

۴. ذاتی در باب حمل (حمل ذاتی اولی): این ذاتی در مقابل «حمل شایع صناعی» است و به معنای اتحاد مفهومی موضوع و محمول است، مانند «انسان، حیوان ناطق است».

۵. ذاتی در باب علل: این ذاتی در مقابل «اتفاقی» قرار دارد و به رابطه‌ی ضروری و علّی و معلولی میان دو پدیده اشاره دارد، مانند احتراق که اثری ذاتی برای آتش است، در مقابل اموری که تصادفاً با هم رخ می‌دهند.

مقصود منطقیون از «ذاتی» در کتاب برهان، ترکیبی از معنای اول و دوم است؛ یعنی «محمولی که یا در حدّ (تعریف) موضوع اخذ شده، یا موضوع (یا مقومات آن) در حدّ آن محمول اخذ شده است.»

«إذا عرفت هذه المعانی للذاتی فاعلم ان مقصودهم من الذاتی فی کتاب البرهان ما یعم المعنی الاول والثانی ویجمعهما فی البیان ان یقال: (الذاتی هو المحمول الذی یؤخذ فی حد الموضوع أو الموضوع أو احد مقوماته یؤخذ فی حده).» (المظفر، ۱۳۸۸، ص ۳۲۱)

با این مقدمه، اکنون به بررسی اشکالات و تحلیل‌های حضرت امام (ره) در باب حجیت قطع می‌پردازیم.

نقد و تحلیل حجیت ذاتی قطع از منظر امام خمینی (ره)

حضرت امام (ره) در تقریرات اصولی خود که توسط شاگردان برجسته‌شان همچون آیت‌الله سبحانی و آیت‌الله فاضل لنکرانی به رشته‌ی تحریر درآمده، مبنای مشهور در باب حجیت قطع را به چالش می‌کشند. ایشان با اذعان به اینکه شیخ انصاری بحث را با عبارت «شکی در وجوب متابعت از قطع نیست» آغاز کرده، این گزاره را قابل مناقشه می‌دانند.

«قال الشيخ الأعظم: لا إشکال فی وجوب متابعة القطع والعمل علیه ما دام موجوداً... ولا یخفی: أنّ للمناقشة فیما ذکره مجال.» (سبحانی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۹)

اشکال اولیه‌ی ایشان متوجه خود مفهوم «وجوب متابعت از قطع» است. اگر مراد از آن، عمل بر طبق خود حالت نفسانی قطع باشد، این سخن معنای محصلی ندارد؛ زیرا صفت نفسانی قابل متابعت عملی نیست؛ و اگر مراد، عمل بر طبق «مقطوع» (آنچه به آن قطع پیدا شده) باشد، این وجوب دیگر از احکام خود قطع نیست، بلکه به حکم عقل به لزوم اطاعت از مولا بازمی‌گردد که یک مسئله‌ی کلامی است و ربطی به مباحث اصولی حجیت ندارد.

«فإن كان المراد من لزوم العمل على طبق القطع العمل على طبق الحالة النفسانية فلا یعقل له معنی محصل، وإن كان المراد العمل على طبق المقطوع والواقع المنكشف فلیس هو من أحكام القطع، بل مآله إلى لزوم إطاعة المولى الذی یبحث عنه فی الکلام.» (سبحانی،

۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۹

از این رو، امام خمینی (ره) معتقدند که بحث صحیح و دقیق‌تری که باید به‌عنوان یکی از آثار قطع مطرح شود، این است که قطع، موجب تنجز حکم و قطع عذر است. دلیل این اثر نیز آن است که قطع در نگاه شخص قاطع، هیچ احتمال خلافی را بر نمی‌تابد و همین ویژگی برای حکم عقل و عقلا به تنجز تکلیف و صحت احتجاج مولا کافی است. این اثر (انقطاع عذر) بدون نیاز به جعل جاعل، بر قطع مترتب می‌شود.

اما در خصوص دیدگاه مشهور که کاشفیت و طریقت را از ذاتیات قطع می‌دانند، حضرت امام (ره) اشکال اساسی را مطرح می‌کنند. ایشان بیان می‌دارند معنای «ذاتی» در باب برهان، آن است که از ملزوم خود قابل انفکاک و جدایی نباشد؛ در حالی که قطع گاهی مطابق با واقع است و گاهی خطا می‌کند. با وجود امکان خطای در قطع، چگونه می‌توان کاشفیت (که به معنای اصابت به واقع است) را از ذاتیات آن دانست؟

«فیه: أنّ الذاتی فی باب البرهان أو الإیساغوجی ما لا ینفک عن ملزومه و لا یفترق عنه، و القطع قد یصیب و قد لا یصیب، و معه کیف یمکن عدّ الکاشفیه و الطریقیة من ذاتیاته؟» (سبحانی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۱۰)

اگر گفته شود که قطع «در نظر قاطع» همیشه کاشف از واقع است، این پاسخ نیز مشکل را حل نمی‌کند؛ زیرا امر ذاتی، در نظرها و دیدگاه‌های مختلف، متفاوت نمی‌شود. زوجیت برای عدد چهار، چه در نظر کسی که آن را می‌داند و چه در نظر کسی که نمی‌داند، یک امر ذاتی است.

بر همین اساس، ایشان معتقدند که «حجیت» نیز از ذاتیات قطع نیست. حجیت به معنای صحت احتجاج و مؤاخذه، یک حکم عقلانی است که بر قطع مترتب می‌شود، نه یک واقعیت تکوینی که جزء ذات قطع یا خارج از آن باشد. بنابراین، کاشفیت و طریقت نه عین قطع و نه از لوازم ذاتی آن هستند و حجیت نیز از این جهت، کاملاً شبیه آن دو است. تفاوت حجیت با طریقت در این است که حجیت، از احکام عقل عملی است که به دلیل همین عقلی بودن، از جعل شارع بی‌نیاز است، نه به دلیل ذاتی بودن.

«فتلخص: أنّ الطریقیة و الکاشفیه لیست عین القطع و لا من لوازمه، و أمّا الحجیة فلا تقصر عنهما فی خروجها عن حریم الذاتیة، غیر أنّ الحجیة تفترق عن الطریقیة بأنّها من الأحکام العقلیة الثابتة له عند العقلاء، و لأجل ذلك تستغنی عن الجعل.» (سبحانی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۱۱)

امام خمینی (ره) در ادامه، استدلال آخوند خراسانی مبنی بر امتناع جعل تألیفی میان شیء و ذاتیاتش را نیز به تفصیل نقد می‌کنند. ایشان میان «لوازم ماهیت» و «آثار وجود» تفاوت قائل می‌شوند. کاشفیت، از آثار «وجود» قطع است، نه از لوازم «ماهیت» آن و تمام آثار وجود، مجعول به یک جعل بسیط تکوینی هستند. پس اگر مراد از امتناع جعل، جعل تکوینی باشد، این سخن صحیح نیست؛ زیرا وجود و آثار آن مجعول هستند. و اگر مراد، امتناع جعل تشریحی باشد،



این سخن درست است، اما نه به دلیل ذاتی بودن، بلکه به دلیل لغو بودن آن. وقتی یک اثر، لازمه‌ی تکوینی وجود یک شیء است (مانند حرارت برای وجود آتش)، دیگر جعل تشریحی آن معنا ندارد. قطع نیز تکویناً و در مقام وجود، کاشفیت دارد (هرچند کاشفیت در نظر قاطع)، لذا جعل تشریحی طریقت برای آن لغو است.

در نهایت، حضرت امام (ره) دلیل امتناع ردع و منع از عمل به قطع را نیز متفاوت از نظر آخوند خراسانی تبیین می‌کنند. آخوند دلیل آن را لزوم «اجتماع ضدین» می‌داند. اما امام (ره) با توجه به مبنای خود که احکام شرعی را اموری اعتباری و نه حقایق خارجی می‌داند، تضاد میان آن‌ها را نمی‌پذیرند. ایشان دلیل امتناع را محال بودن «اجتماع دو اراده‌ی متضاد (تحریمی و ایجابی) بر یک مراد واحد» از سوی شارع واحد می‌دانند که یک محالیت عقلی است.

«ثم إن الردع عن العمل بالقطع كسلب الحجية غير ممكن، لا للزوم اجتماع الضدين... بل للزوم اجتماع الإرادتين المختلفتين على مراد واحد.» (سبحانی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۱۲)

این تحلیل دقیق، نشان‌دهنده‌ی عمق نگاه فلسفی و منطقی امام خمینی (ره) به مباحث اصولی و تفکیک ظریف ایشان میان مفاهیمی همچون ماهیت و وجود، ذاتی ماهیت و لازمه‌ی وجود، و جعل تکوینی و تشریحی است که منجر به ارائه‌ی نظریه‌ای متمایز و دقیق در باب حجیت قطع شده است.

۴. جمع‌بندی و مقایسه‌ی تطبیقی آراء

پس از بررسی تفصیلی دیدگاه‌های سه شخصیت برجسته‌ی اصول فقه شیعه، شیخ مرتضی انصاری، آخوند محمدکاظم خراسانی و امام خمینی (رضوان الله علیهم)، در باب حجیت قطع، اکنون می‌توان به جمع‌بندی و مقایسه‌ی تطبیقی میان این انظار پرداخت. هرچند هر سه بزرگوار در نتیجه‌ی نهایی، یعنی لزوم عقلی متابعت از قطع و عدم نیاز آن به جعل شارع، متفق‌القول هستند، اما در تبیین، تحلیل و مبانی این حکم، تفاوت‌های ظریف و درعین حال عمیقی دارند که نشان‌دهنده‌ی تطور و تعمیق مباحث اصولی در طول زمان است.

۴.۱ نقاط اشتراک

حکم عقلی به لزوم متابعت: هر سه عالم بزرگوار، وجوب عمل بر طبق قطع را یک حکم قطعی عقلی می‌دانند و آن را خارج از دایره‌ی تشریح و قانون‌گذاری شارع مقدس قرار می‌دهند.

عدم نیاز به جعل: به‌عنوان لازمه‌ی نکته‌ی اول، هر سه قائل‌اند که حجیت قطع، امری جعلی و اعتباری از سوی شارع نیست. شارع نمی‌تواند برای قطع، حجیت را وضع یا از آن سلب کند.

منجزیت و معذریت: همگی بر این باورند که قطع، دارای دو اثر قهری منجزیت در صورت اصابت به واقع و معذریت در صورت خطای قصوری است.

۴.۲ نقاط افتراق و تحلیل تطبیقی

۴.۲.۱ تحلیل ماهیت حجیت قطع (ذاتی یا عقلی؟)

شیخ انصاری و آخوند خراسانی: این دو بزرگوار، حجیت قطع را امری «ذاتی» برای آن می‌دانند. از نظر شیخ اعظم، حجیت به معنای طریقیّت و کاشفیت تامه است که از ذات قطع انفکاک‌ناپذیر است و به همین دلیل، اطلاق «حجت» به معنای مصطلح (حد وسط در قیاس) بر قطع را مجازی و مسامحی می‌داند. آخوند خراسانی نیز با تعبیر «لوازم ذاتی» و تشبیه آن به زوجیت برای عدد چهار، بر این ذاتی بودن تأکید کرده و رابطه‌ی قطع با حجیت را رابطه‌ای تکوینی و غیرقابل جعل تألیفی می‌داند.

امام خمینی: ایشان این مبنا را به چالش می‌کشند. با تفکیک دقیق معانی «ذاتی»، استدلال می‌کنند که چون قطع گاهی به خطا می‌رود، کاشفیت از واقع نمی‌تواند از «ذاتیات ماهیت» آن باشد که هرگز از آن منفک نمی‌شود. ایشان «حجیت» را نه یک امر ذاتی، بلکه یک حکم عقل عملی می‌دانند. عقل و عقلا پس از ملاحظه‌ی حالت قاطع که در آن احتمال خلافی نمی‌دهد، حکم به لزوم تبعیت و صحت احتجاج می‌کنند. بنابراین، بی‌نیازی حجیت قطع از جعل، نه به دلیل ذاتی بودن آن، بلکه به دلیل عقلی بودن آن است.

۴.۲.۲ تبیین دلیل امتناع ردع از قطع

آخوند خراسانی: دلیل امتناع نهی شارع از عمل به قطع را محالیت «اجتماع ضدین» می‌داند؛ زیرا از یک سو مکلف به واسطه‌ی قطع خود، اعتقاد به وجوب (مثلاً) دارد و از سوی دیگر، با نهی شارع، به حرمت عمل به آن مکلف می‌شود که این به معنای اعتقاد به دو حکم متضاد در آن واحد است.

امام خمینی: این استدلال را مبتنی بر خارجی دانستن احکام و تضاد میان آن‌ها می‌دانند که با مبنای ایشان (اعتباری بودن احکام) سازگار نیست. ایشان دلیل امتناع را محال بودن «اجتماع دو اراده‌ی متضاد بر مراد واحد» از ناحیه‌ی مولای واحد می‌دانند. ممکن نیست شارع هم اراده‌ی ایجابی به نماز جمعه (که مکلف به آن قطع دارد) داشته باشد و هم اراده‌ی تحریمی نسبت به عمل به این قطع (که همان انجام نماز جمعه است).

۴.۲.۳ تمرکز بر تحلیل فلسفی و منطقی

شیخ انصاری: تحلیل ایشان بیشتر بر تفکیک معنای «حجت» در قطع از معنای آن در امارات استوار است و بر نقش قطع به عنوان کاشف مستقیم از واقعیت و عدم واسطه‌گری آن تأکید دارد.

آخوند خراسانی: ایشان با به‌کارگیری اصطلاحات فلسفی مانند «جعل تألیفی»، «جعل بسیط» و «لوازم ذاتی»، بحث را به سطح عمیق‌تری از تحلیل فلسفی می‌برد.

امام خمینی: ایشان با یک گام فراتر، به نقد مبانی پیشینیان پرداخته و با وارد کردن تفکیک‌های دقیق‌تر مانند تفکیک میان «ماهیت» و «وجود»، «ذاتی ماهیت» و «لازمه‌ی وجود»،

و تحلیل خود مفهوم «ذاتی» بر اساس منطق، بنیان جدیدی برای تبیین حجیت قطع پی‌ریزی می‌کنند. این نگاه، اوج دقت فلسفی در تحلیل یک مسئله‌ی اصولی است.

به‌طور خلاصه، حرکت از نظر شیخ انصاری به‌سمت آخوند خراسانی و سپس امام خمینی، یک سیر تکاملی از تبیینی روشن و مبتنی بر کارکرد، به‌سوی تحلیلی فلسفی و در نهایت، به‌سمت نقد و بازنگری عمیق در همان مبانی فلسفی است.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به بررسی تطبیقی دیدگاه سه فقیه و اصولی برجسته، شیخ انصاری، آخوند خراسانی و امام خمینی، در باب مسئله‌ی «حجیت قطع» پرداخت. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که علی‌رغم اتفاق نظر در حکم نهایی یعنی لزوم عقلی متابعت از قطع، مبانی تحلیلی این حکم در اندیشه‌ی این سه بزرگوار دارای تفاوت‌های بنیادین است.

شیخ انصاری با تمرکز بر کارکرد طریقی و کاشفیت تامه، ذاتی بودن حجیت قطع را به‌معنای عدم نیاز به واسطه‌گری تبیین می‌کند. آخوند خراسانی این ذاتی بودن را در قالبی فلسفی‌تر و با تأکید بر امتناع جعل تألیفی میان شیء و لوازم ذاتی‌اش صورت‌بندی می‌نماید. اما نقطه‌ی عطف این بحث، در دیدگاه امام خمینی (ره) آشکار می‌شود. ایشان با نقدی موشکافانه بر مفهوم «ذاتی» و با تفکیک میان «ذاتی ماهیت» و «لازمه‌ی وجود»، اساساً ذاتی بودن کاشفیت و حجیت برای قطع را رد می‌کنند. از منظر ایشان، کاشفیت به‌معنای اصابت به واقع، لازمه‌ی جدایی‌ناپذیر قطع نیست؛ زیرا قطع خطاپذیر است. حجیت نیز نه یک امر ذاتی، بلکه حکمی عقلانی و مترتب بر قطع از باب تنجّز و انقطاع عذر است. بی‌نیازی این حجیت از جعل شارع نه به‌دلیل ذاتی بودن، بلکه به‌دلیل عقلی بودن آن است.

این‌طور در اندیشه‌ی اصولی، نشانگر عمق و پویایی این علم است که چگونه یک اصل مسلّم می‌تواند در هر دوره با ابزارهای دقیق‌تری از منطق و فلسفه، مورد بازبینی و تحلیل عمیق‌تر قرار گیرد. رویکرد امام خمینی (ره) بیانگر لزوم دقت در به‌کارگیری مفاهیم بنیادین و عدم تسامح در تطبیق اصطلاحات فلسفی بر مباحث اصولی است و راه را برای فهمی دقیق‌تر از رابطه‌ی میان عقل، علم و تکلیف هموار می‌سازد. در نهایت، می‌توان گفت که هر سه دیدگاه به یک مقصد منتهی می‌شوند، اما مسیری که برای رسیدن به این مقصد پیموده‌اند، به لحاظ دقت و عمق تحلیلی، متفاوت و در سیر خود تکاملی بوده‌اند.

فهرست منابع

- انصاری، مرتضی بن محمد امین. (۱۴۱۹ق). فرائد الأصول. قم: مجمع الفکر الإسلامی.
- خراسانی، محمد کاظم. (۱۴۰۹ق). کفایة الأصول. قم: مؤسسه آل‌البیت (ع) لإحياء التراث.

سبحانی، جعفر. (۱۴۱۸ق). تهذیب الأصول (تقریرات درس امام خمینی). قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين.

فاضل لنکرانی، محمد. (۱۴۳۰ق). معتمد الأصول (تقریرات درس امام خمینی). قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع).

مظفر، محمدرضا. (۱۳۸۸ش). المنطق. (ترجمه و شرح: علی شیروانی). قم: انتشارات دارالعلم.